

تو  
موفق می شی

قواعد عربی متوسطه اول پایه نهم

تهیه کنندگان: مهران بهزادی \_ فروزان ماندنی

دبیران عربی استان فارس



## فهرست مطالب

درس اول ( مرور آنچه در عربی پایه هفتم و هشتم یاد گرفتید)

درس دوم ( وزن و حروف اصلی )

درس سوم ( فعل امر 1 )

درس چهارم ( فعل امر 2 )

درس پنجم ( فعل نهی 1 )

درس ششم ( فعل نهی 2 )

درس هفتم ( موصوف و صفت \_ مضاف و مضاف الیه )

درس هشتم ( فعل ماضی استمراری )

درس نهم ( ساعت خوانی )



# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

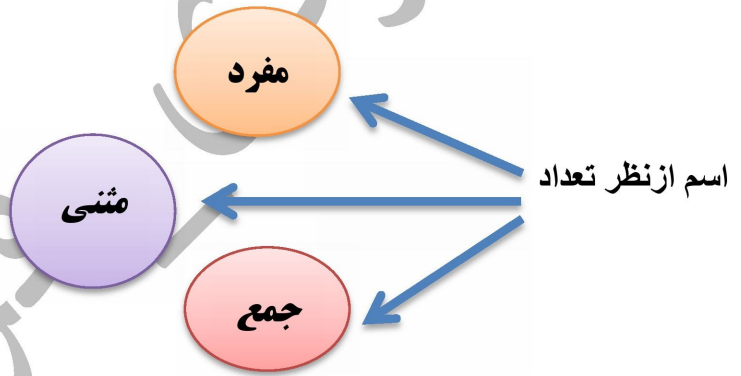
درس اول ( مرور آنچه در عربی پایه هفتم و هشتم یاد گرفتید )

\* پایه هفتم \*

مذکر : " نشانه ندارد " مانند : المعلم ، الكتاب و...

اسم از نظر جنس

مونث : " علامت اسم مونث " ة " است " مانند : المعلمة ، النافذة و....



★ اسم مفرد ★ به اسمی گفته می شود که بر **یک نفر** ، **یک چیز** دلالت می کند و آن یک نفر می تواند انسان ، حیوان و اشیاء باشد. مانند: رَجُلٌ (یک مرد) ، بقرةٌ (یک گاو) ، لوحةٌ (یک تابلو) و....

علامت اسم مفرد مذکر " نشانه ندارد "

مانند : طالبٌ (دانش آموز پسر) ، سعیدٌ (اسم پسر) ، الغرابٌ (کلاغ) ، البابٌ (در) و....

علامت اسم مفرد مونث " ة " است .

طالبةٌ (دانش آموز دختر) ، فاطمةٌ (اسم دختر) ، البقرةٌ (گاو ماده) ، النافذةٌ (پنجره) و....



☆ اسم مثنیٰ به اسمی گفته می شود که بر **دو نفر**، **دو چیز** دلالت می کند و آن دونفر ، دوچیز می تواند انسان ، حیوان و اشیاء باشد . مانند: طالبان(دو دانش آموزپسر)، بقرتان(دو گاو ماده)، قلمان(دو مداد)

علامت اسم مثنیٰ در عربی ← " ان ، ین " است که به آخر اسم مفرد اضافه می شود.

اسم مثنیٰ مذکر مانند : ← طالب (یک دانش آموزپسر) + ان ، ین = طالبان ، طالبین (دو دانش آموزپسر)

اسم مثنیٰ مؤنث مانند : ← طالبة (یک دانش آموزدختر) + ان ، ین = طالبات ، طالباتین (دو دانش آموزدختر)

☆ اسم جمع به اسمی گفته می شود که **بیش از دو نفر**، **بیش از دو چیز** دلالت می کند و می تواند انسان ، حیوان و اشیاء باشد . و به سه شکل زیر آورده می شود.

جمع مکسر

جمع مؤنث سالم

جمع مذکر سالم



## جمع مذکر سالم

علامت جمع مذکر سالم " **ونَ** \_ **ینَ** " است که به آخر اسم مفردمذکر اضافه می شود.

مانند: طالب + **ونَ** = طالبونَ (دانش آموزان)      مانند: طالب + **ینَ** = طالبینَ (دانش آموزان)

## جمع مؤنث سالم

علامت جمع مؤنث سالم " **ات** " است که به آخر اسم مفردمؤنث اضافه می شود.

مانند: طالبة + **ات** = طالبات (دانش آموزان)

## جمع مکسر (شکسته)

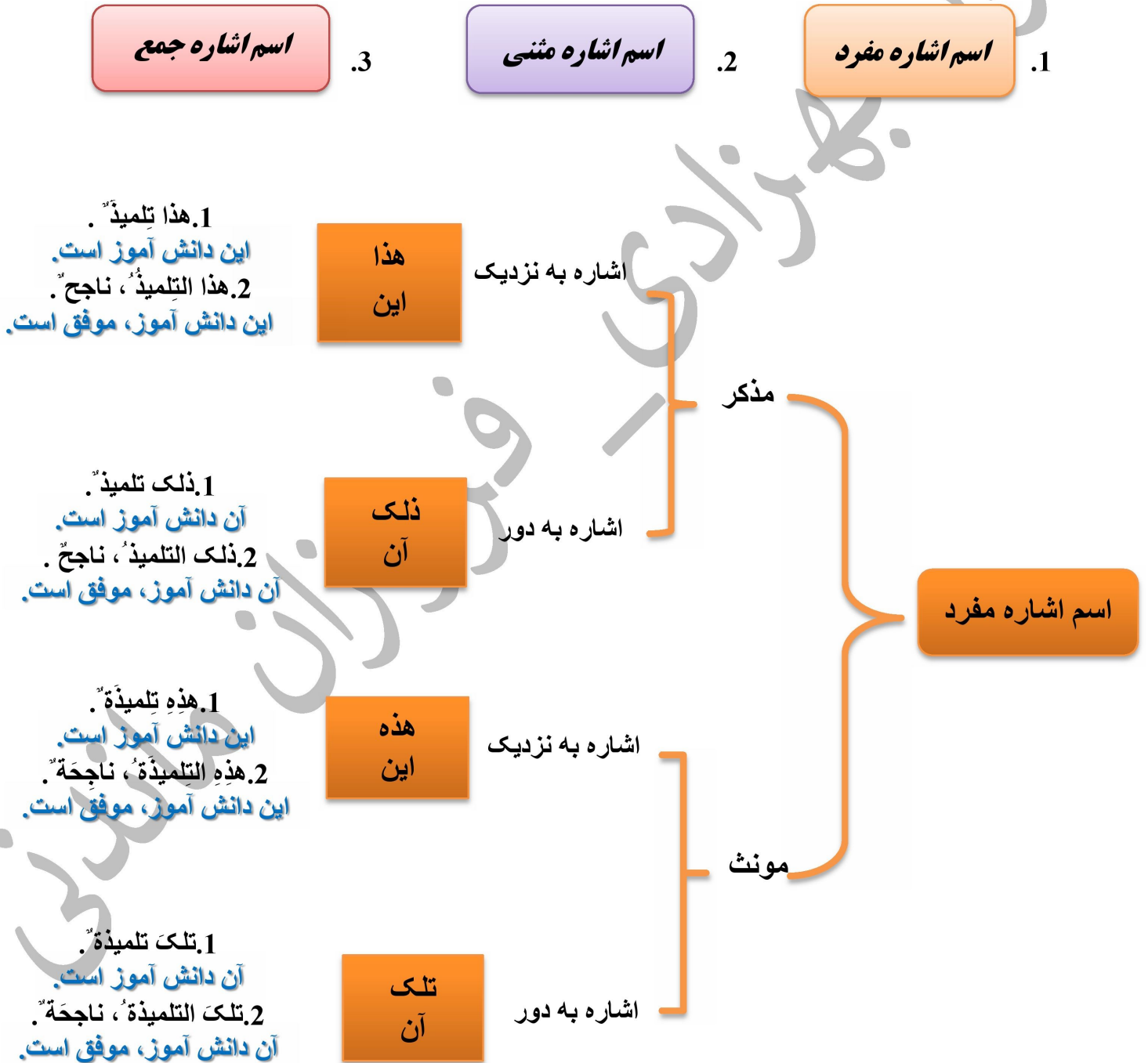
علامت جمع مکسر ← " **نشانه و علامت خاصی ندارد و باید آنها را حفظ کرد** "

مانند: قلم(مداد) ← اقلام (مداد ها).      مانند: حدیقة (باغ) ← حدائق (باغ ها)



# اسماء اشاره

اسم اشاره اسمی است که برای اشاره کردن استفاده می شود ، اسماء اشاره در عربی به سه دسته زیر تقسیم می شود :



## اسم اشاره مثنی

اشاره به نزدیک (مذکر)

هذان  
این دو (اینها)

مانند: هذان تلمیذان .  
این دو ، دانش آموز هستند .  
مانند: هذان التلمیذان ، مسروران .  
این دانش آموزان ، خوشحال هستند .

اشاره به نزدیک (مونث)

هاتان  
این دو (اینها)

مانند: هاتان تلمیذتان .  
این دو ، دانش آموز هستند .  
مانند: هاتان التلمیذتان ، مسرورتان .  
این دانش آموزان ، خوشحال هستند .

اشاره به نزدیک (مذکر و مونث)

هولاء  
اینها

مانند: هولاء معلمون (مذکر)  
اینها ، معلم هستند .  
مانند: هولاء المعلمون ، فائزون (مذکر)  
این معلمان ، برنده هستند .

## اسم اشاره جمع

اشاره به دور (مذکر و مونث)

اولئک  
آنها

مانند: اولئک معلمون (مذکر)  
آنها ، معلم هستند .  
مانند: اولئک المعلمون ، فائزون (مذکر)  
آن معلمان ، برنده هستند .

مانند: اولئک معلمات (مونث)  
آنها ، معلم هستند .  
مانند: اولئک المعلمات ، فائزات (مونث)  
آن معلمان ، برنده هستند .



**کلمات پرسشی (استفهامی) :** کلماتی هستند که برای **سوال کردن** به کار می روند و این کلمه ها همیشه در **اول جمله** قرار می گیرند و عبارت اند از:

**هل \_ أ**

کلمات پرسشی "**هل \_ أ**" به معنای **آیا** می باشد ، برای سوال کردن درباره **هست** و **نیست** و **یا بود** و **نبود** یک موضوع که در مورد آن **شک** و **تردید** داریم استفاده می شود. در جواب باید از کلمه "**نعم**" به معنی "**بله**" در صورتی که جواب "**مثبت**" باشد و یا از کلمه "**لا**" به معنی "**نه**" در صورتی که جواب "**منفی**" باشد ، در **ابتدای پاسخ** به سوال استفاده کرد.



مانند : هل هذا قلمٌ ؟

آیا این مداد است ؟

نعم ، هذا قلمٌ .

**مَن**

کلمه پرسشی "**مَن**" به معنای **چه کسی** ، **چه کسانی** ، **کیست** می باشد ، برای سوال کردن درباره **کیستی** ، **اشخاص** ، **اشخاص (جهت شناسایی اشخاص)** استفاده می شود. (برای انسان کاربرد دارد).

در جواب از "**نام اشخاص**" یا "**شغل اشخاص**" استفاده می شود.

مانند 1: مَن هو ؟

او کیست ؟

هو علی .

مانند 2: مَن هو ؟

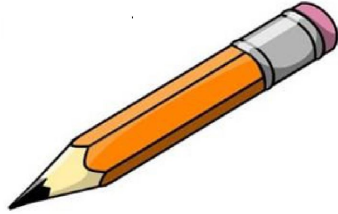
او کیست ؟

هو معلم .



## لَمَنْ

کلمه پرسشی " لَمَنْ " به معنای برای چه کسی ، برای چه کسانی (مال کیست) می باشد ، برای سوال کردن درباره مالکیت اشخاص و اشیاء استفاده می شود.



در ابتدای جواب باید از " لِ " به معنی " برای " استفاده کرد

این مداد مال کیست؟

مانند 1 : لَمَنْ هَذَا الْقَلَمُ ؟

مال مریم است. (برای مریم است)

لِمَرِيْمٍ.

## ما وماذا

کلمه پرسشی " ما " و " ماذا " به معنای " چه ، چه چیز ، چیست " می باشد ، برای سوال کردن درباره چیستی موضوعات گوناگون استفاده می شود. (برای غیرانسان " اشیاء و حیوان " کاربرد دارد).



این چیست ؟

مانند 1 : ما هذا ؟

این خانه است.

هذا بيتٌ .



چه چیزی در دست پسر است؟

مانند 2 : ماذا في يَدِ الْوَلَدِ ؟

کتاب.

الکتابُ

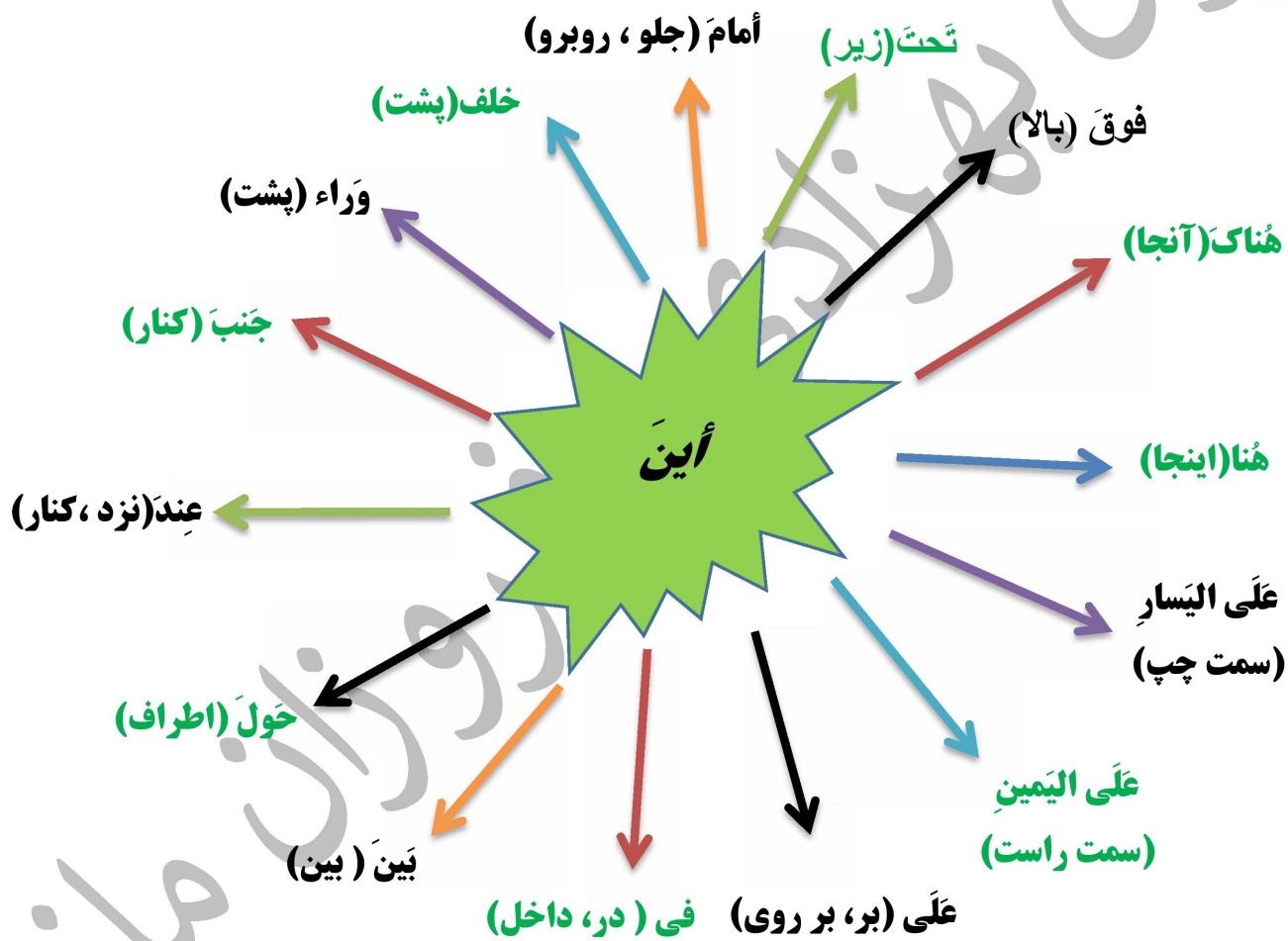


# أَيْنَ

کلمه پرسشی " **أَيْنَ** " به معنای " **کجا** " می باشد ، برای سوال کردن درباره مکان (جهات) اشیاء و اشخاص استفاده می شود.

جواب به سوالی که با " **أَيْنَ** " آغاز شده باید چگونه باشد ؟

در ابتدای جواب باید از کلمات زیر استفاده کنیم :



معلم کجاست؟

معلم در کلاس است.

مانند: : **أَيْنَ** الْمُعَلِّمِ ؟

المُعَلِّمِ فِي الصَّفِّ.

## مِنَ أَيْنَ

کلمه پرسشی "مِنَ أَيْنَ" به معنای "اهل کجا ، از کجا" می باشد ، برای سوال کردن درباره محل و مکان زندگی اشخاص استفاده می شود. و این کلمه پرسشی همیشه در **اول جمله سوالی** قرار می گیرند.

تواهل کجایی؟

مانند 1 : مَنَ أَيْنَ أَنْتَ ؟

من اهل ایرانم (ایرانی هستم).

أنا من إيران . (أنا إيرانيّ)

## كَمْ

کلمه پرسشی "كَمْ" به معنای "چند ، چه مقدار" می باشد ، برای پرسش درباره تعداد اشیاء و اشخاص استفاده می شود.

جواب به سوالی که با "كَمْ" آغاز شده باید چگونه باشد ؟

باید از عدد های اصلی (شمارشی) استفاده کنیم که عبارت اند از:

6

سِتَّة

5

خَمْسَة

4

أَرْبَعَة

3

ثَلَاثَة

2

إِثْنَانِ

1

وَاحِدٍ

12

إِثْنَا عَشَرَ

11

أَحَدَ عَشَرَ

10

عَشْرَة

9

تِسْعَة

8

ثَمَانِيَة

7

سَبْعَة

چند کلید اینجاست ؟

پنج تا.

مانند : كَمْ مِفْتَاحًا هُنَا ؟

خَمْسَة.



## کیف

کلمه پرسشی "کیف" به معنای "چطور، چگونه" می باشد، برای پرسش از کیفیت، حالت و چگونگی (اشیاء و اشخاص) \_ (انجام یک کار) استفاده می شود. و این کلمه پرسشی همیشه در اول جمله سوالی قرار می گیرند.

مانند 1: کیف حالک؟ حالت چطوره؟  
أنا بخیر. من خوبم.

مانند 2: کیف ذهبت؟ چگونه رفتی؟  
ذهبت بسرعة. به سرعت رفتم.

مانند 3: کیف الجو؟ هوا چطوره؟  
الجو حار. هوا گرم است.

" جدول فعل ماضی همراه با ضمائر منفصل و ضمائر متصل "

ترجمہ	فعل ماضی	تصویر	شخص
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبِكَ		دوم شخص مفرد
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ		
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا		
ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَنَا		اول شخص جمع
شما تکلیفشان را نوشتید.	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبِكُمْ		دوم شخص جمع
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبِكُنَّ		
	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجِبِكُمَا		
آنها تکلیفشان را نوشتند.	هُمْ كَتَبُوا وَاجِبَهُمْ		سوم شخص جمع
	هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبَهُنَّ		
	هُمَا كَتَبَا وَاجِبَهُمَا		
	هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبَهُمَا		

ما + فعل ماضی = فعل ماضی منفی

مانند :

ما + ذَهَبْتُ (رفتم) = ما ذَهَبْتُ (نرفتم)

ما + خَرَجْتُ (خارج شد "مونث") = ما خَرَجْتُ (خارج نشد "مونث")

ما + كَتَبْتُ (نوشتی "مذکر") = ما كَتَبْتُ (ننوشتی "مذکر")



الألوان " رنگ ها "

سياه



أسود

سفید



أبيض

قرمز



أحمر

آبی



أزرق

سبز



أخضر

زرد

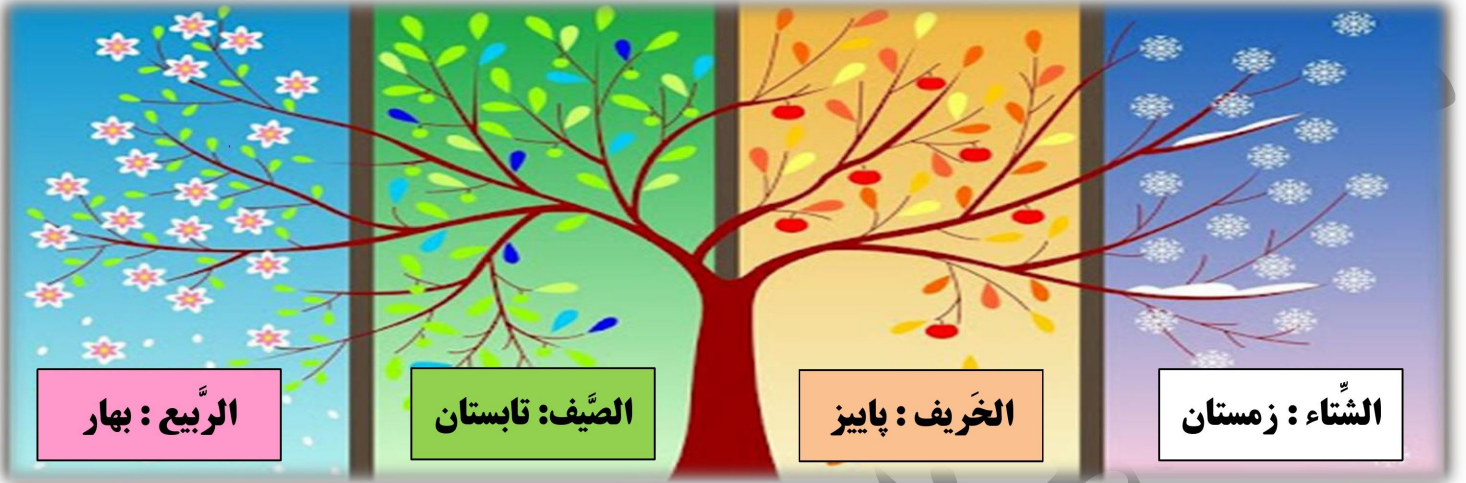


أصفر





## فصول " فصل ها "



## أيامُ الأسبوع " روزهای هفته "

شنبه	←	السَّبْت
یکشنبه	←	الأحد
دوشنبه	←	الاثنين
سه شنبه	←	الثلاثاء
چهارشنبه	←	الأربعاء
پنج شنبه	←	الخميس
جمعه	←	الجمعة

روزها

\* پایه هشتم \* " جدول فعل مضارع همراه با ضمایر منفصل و ضمایر متصل "

شخص	تصویر	فعل مضارع	ترجمه
اول شخص مفرد		أنا أَكْتُبُ وَاجِبِي	من تکلیفم را می نویسم.
دوم شخص مفرد		أنتِ تَكْتُبُ وَاجِبِكَ	تو تکلیفت را می نویسی.
		أنتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِكِ	
سوم شخص مفرد		هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ	او تکلیفش را می نویسد.
		هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبِهَا	
اول شخص جمع		نحنُ نَكْتُبُ وَاجِبَنَا	ما تکلیفمان را می نویسیم.
دوم شخص جمع		أنتمُ تَكْتُبُونَ وَاجِبَكُمْ	شما تکلیفتان را می نویسید.
		أنتنَّ تَكْتُبْنَ وَاجِبِكُنَّ	
		أنتما تَكْتُبانِ وَاجِبَكُما	
سوم شخص جمع		هم يَكْتُبُونَ وَاجِبَهُم	آنها تکلیفشان را می نویسند.
		هنَّ يَكْتُبْنَ وَاجِبَهُنَّ	
		هُما يَكْتُبانِ وَاجِبَهُما	
		هُما تَكْتُبانِ وَاجِبَهُما	

فعل مستقبل ( آینده )

برای تبدیل فعل مضارع به فعل مستقبل ( آینده ) یکی از علامت های " سَدَ " یا " سَوَفَ " به ابتدای فعل مضارع اضافه می شود ، و در ابتدای ترجمه آن ( فعل مستقبل ) از فعل ( خواه .... ) استفاده می شود.

سَدَ \_ سَوَفَ + فعل مضارع = فعل مستقبل ( آینده )

مانند:

سَدَ \_ سَوَفَ + تَذْهَبِينَ ( می روی " مونث " ) = سَتَذْهَبِينَ \_ سَوَفَ تَذْهَبِينَ ( خواهی رفت )

سَدَ \_ سَوَفَ + تَكْتُبُ ( می نویسی " مذکر " ) = سَتَكْتُبُ \_ سَوَفَ تَكْتُبُ ( خواهی نوشت )

\* کاربرد حرف ما \*

حرف ما در زبان عربی دو کاربرد دارد :

" ما " برای منفی کردن فعل ماضی.

مانند : ما ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ . ( به بازار نرفتم )

" ما " ( به معنی چیست ؟ ) برای پرسش .

مانند: ما اِسْمُ صَدِيقِكَ ؟ ( اسم دوستت چیست ؟ )

" ما " در عربی

" ما " منفی

ما سَمَعْنَا : نشنیدیم.

ما جَلَسْنَا عَلَى الكُرْسِيِّ : بر روی صندلی نشستند .

" ما " پرسشی

ما هَذَا؟ : این چیست؟.

ما تِلْكَ بِیَمِینِكَ یا موسی؟ ای موسی در دست راستت چیست؟



**\* معرفی کلمه ی پرسشی " لِمَاذَا " و شیوه پاسخ دادن به آن \***

کلمه پرسشی " لِمَاذَا " به معنای " چرا ، برای چه " می باشد ، برای سوال کردن درباره " دلیل انجام یک کار " استفاده می شود ، و این کلمه پرسشی همیشه در اول جمله ی سوالی قرار می گیرند.

پاسخ به سوالی که با " لِمَاذَا " آغاز شده باید چگونه باشد ؟

در ابتدای جواب باید از " لِ " به معنی " برای " و " لِأَنَّ " به معنی " برای اینکه " استفاده کنیم.

مانند 1. لِمَاذَا تَنْظُرُ إِلَى الْبَعِيدِ ؟ ( چرا به دور نگاه می کنی ؟ )  
لِأَنِّي أَبْحَثُ عَنْ هُدًى . برای اینکه همد را جست و جو می کنم .

در زبان عربی برای منفی کردن افعال مضارع به روش زیر عمل می کنیم :

لا + فعل مضارع = فعل مضارع منفي

مانند :

لا + تَخْرُجِينَ (خارج می شوی "مونث") = (لا تَخْرُجِينَ) (خارج نمی شوی "مونث")

لا + أَذْهَبُ (می روم) = لا أَذْهَبُ (نمی روم)

لا + يَكْتُبُ (می نویسی "مذکر") = لا يَكْتُبُ (نمی نویسی "مذکر")

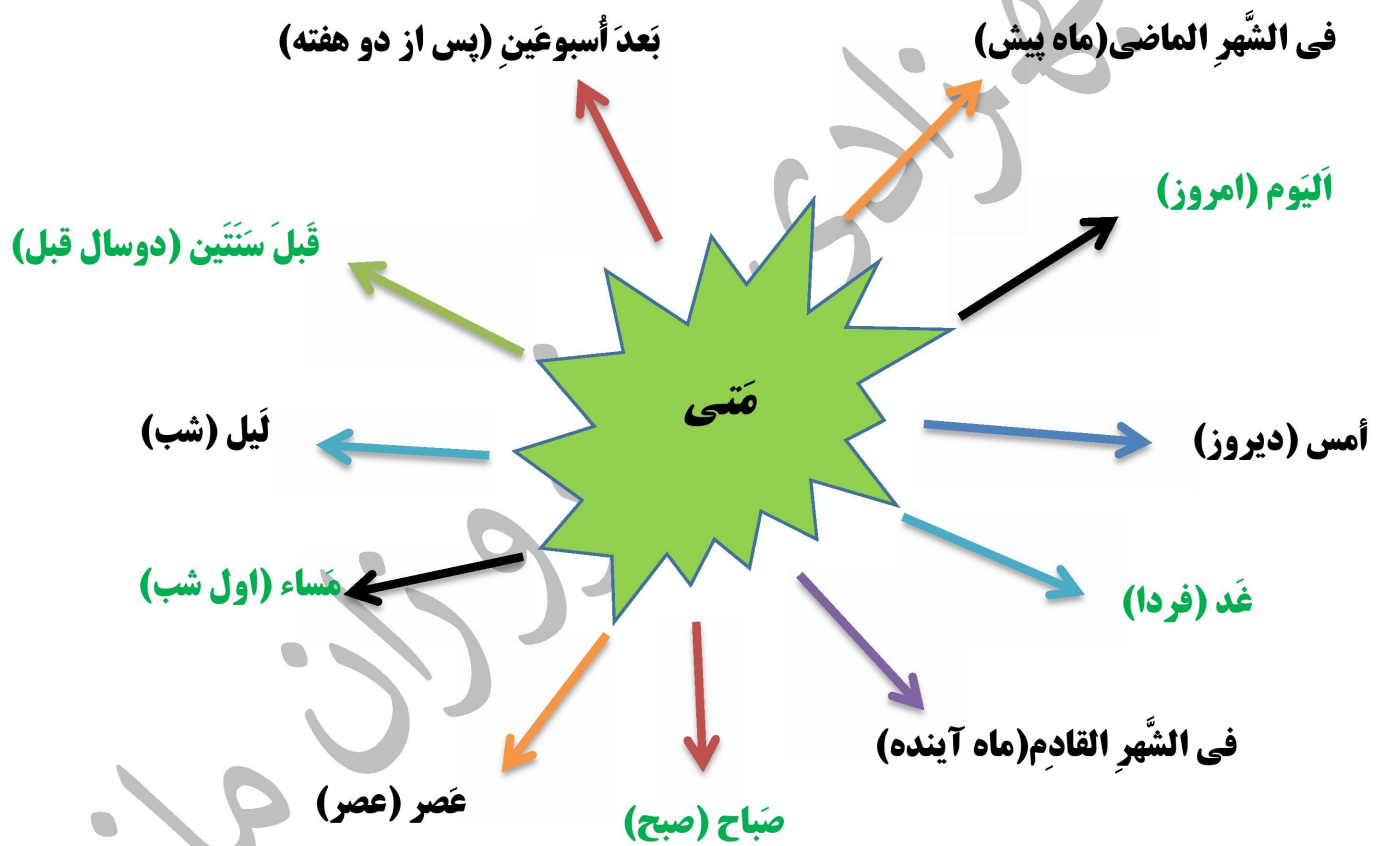


**\* معرفی کلمه ی پرسشی "متی" و شیوه پاسخ دادن به آن \***

کلمه پرسشی "متی" به معنای "چه وقت" می باشد ، برای سوال کردن درباره "زمان" استفاده می شود ، و این کلمه پرسشی همیشه در **اول جمله ی سوالی** قرار می گیرند.

جواب به سوالی که با "متی" آغاز شده باید چگونه باشد ؟

در پاسخ از کلمات زیر استفاده می شود :



مانند 1 : **متی تذهیبین إلی المدرسه؟**

**فی الصبح .**

**چه موقع به مدرسه می روی؟**

**در صبح .**

\* گاهی کلمه " عِنْدَ به معنی نزد " یا " لِ، لِبِه معنی برای " برای مالکیت ( داشتن ) به کار می

رود.

مانند 1 : اَنَا مَكْتَبَةٌ . کتابخانه ای داریم .

مانند 2: هَلْ عِنْدَكَ قَلَمٌ أَزْرَقُ؟ آیا مداد آبی داری؟

لا ، عِنْدِي قَلَمٌ أَخْضَرٌ . نه ، مداد سبز دارم.

\* اعداد در عربی به دودسته تقسیم می شوند که عبارت اند از:

✓ اعداد اصلی ( شمارشی ): اعدادی هستند که با آنها " شمارش " صورت می گیرد و تعداد را نشان می دهند ، اعداد اصلی ( شمارشی ) عبارت اند از :

مذکر	مونث
"1" واحد	وَاحِدَةٌ
"2" اِثْنَانِ	اِثْنَانِ
"3" ثَلَاثَ	ثَلَاثَةٌ
"4" أَرْبَعِ	أَرْبَعَةٌ
"5" خَمْسِ	خَمْسَةٌ
"6" سِتِّ	سِتَّةٌ
"7" سَبْعِ	سَبْعَةٌ
"8" ثَمَانِي	ثَمَانِيَّةٌ
"9" تِسْعِ	تِسْعَةٌ
"10" عَشْرَ	عَشْرَةٌ
"11" أَحَدَ عَشْرَ	أَحَدَى عَشْرَةَ
"12" اِثْنَا عَشْرَ	اِثْنَا عَشْرَةَ



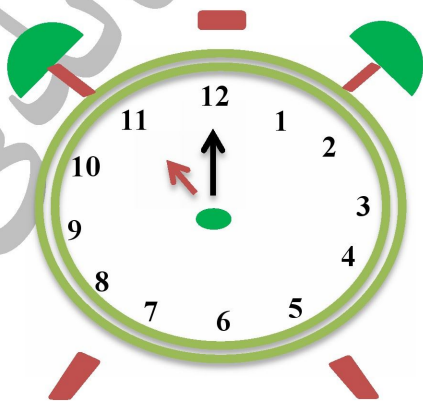
✓ اعداد ترتیبی: اعدادی هستند که " ترتیب " در آنها اهمیت دارد.

مانند: ترتیب درس های یک کتاب ( درس اول ، درس دوم و.....) ، رتبه ( اول، دوم و... ) و.....  
اعداد ترتیبی عبارت اند از :

مذکر	مونث
"1" الأول	الأولى
"2" الثاني	الثانية
"3" الثالث	الثالثة
"4" الرابع	الرابعة
"5" الخامس	الخامسة
"6" السادس	السادسة
"7" السابع	السابعة
"8" الثامن	الثامنة
"9" التاسع	التاسعة
"10" العاشر	العاشرة
"11" الحادي عشر	الحادية عشرة
"12" الثاني عشر	الثانية عشرة

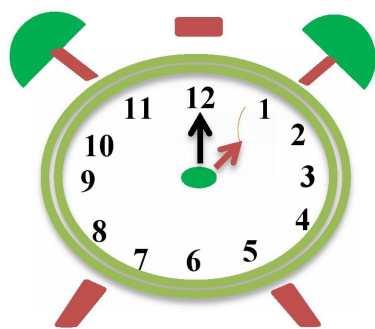
### \* ساعت خوانی \*

در زبان عربی برای بیان ساعت ( خواندن ساعت ) از اعداد ترتیبی مونث استفاده می شود جز برای بیان ساعت " 1 " که از عدد اصلی مونث ( الواحدة ) استفاده می شود .



1. كم الساعة ؟ ( ساعت چند هست ؟ )

الساعة الحادية العشرة تماماً ( ساعت 11 تمام است )



2. كم الساعة الآن؟ (ساعت چند هست؟)

الساعة الواحدة تماماً (ساعت يك تمام است)





## الدَّرْسُ الثَّانِي

درس دوم ( وزن وحروف اصلی )

به کلمات هم خانواده " **عالم** \_ **معلوم** \_ **علیم** \_ **تعلیم** \_ **أَعْلَم** \_ **عُلوم** \_ **إِعلام** " توجه کنید .  
به نظر شما چه شباهتی بین این کلمات وجود دارد ؟؟

در کلمات هم خانواده " **عالم** \_ **معلوم** \_ **علیم** \_ **تعلیم** \_ **أَعْلَم** \_ **عُلوم** \_ **إِعلام** " سه حرف " **ع** \_ **ل** \_ **م** " به ترتیب تکرار شده است و در بین این کلمات هم خانواده مشترک است.  
به این سه حرف " **حروف اصلی یا ریشه** " کلمه گفته می شود .

بسیاری از کلمات در عربی سه حرف اصلی دارند که این سه حرف اصلی " **حروف اصلی یا ریشه** " کلمه نام دارد.

شناختن حروف اصلی کلمه به " **املای** " ما کمک می کند.

با نگاه به **هم خانواده های یک کلمه** می توان به **حروف اصلی** ریشه آن پی برد.

مانند:

حروف اصلی_ ریشه	کلمات هم خانواده
ح _ م _ د	حامد ، محمود ، حمید ، أحمد
ح _ ک _ م	حاكم ، محكوم ، حكيم ، حكمة ، محاكمة ، حكومة ، أحكام
ع _ ب _ د	عابد ، معبود ، عباد ، معبد



✓ حروفی که همراه حروف اصلی می آیند " **حروف زائد** " نامیده می شوند که معنای جدیدی به کلمات می دهند.

مانند:

در کلمه **حامد** ← " **ح م د** " سه حرف اصلی یا همان ریشه است و حرف " **ا** " زائد است.

در کلمه **مَحْكُوم** ← " **ح ك م** " سه حرف اصلی یا همان ریشه است و حرف " **م** " \_ " **و** " زائد است.

به کلمات گروه الف و ب توجه کنید.

الف: " **ناصر** \_ **قاتل** \_ **حامد** \_ **عابد** \_ **حاکم** "

ب: " **منصور** \_ **مقتول** \_ **محمود** \_ **معبود** \_ **محكوم** "

به نظر شما این کلمات برچه وزنی هستند؟؟

کلمات گروه الف برون " **فاعل** " و کلمات گروه ب برون " **مفعول** " می باشند.

وزن	کلمات
<b>فاعل</b>	<b>ناصر</b> _ <b>قاتل</b> _ <b>حامد</b> _ <b>عابد</b> _ <b>حاکم</b>
<b>مفعول</b>	<b>منصور</b> _ <b>مقتول</b> _ <b>محمود</b> _ <b>معبود</b> _ <b>محكوم</b>



کلماتی که بر وزن " فاعِل " می باشند به معنای " انجام دهنده یا دارنده حالت " هستند .

مانند : **ناصر** ( یاری کننده )

کلماتی که بر وزن " مَفْعول " می باشند به معنای " انجام شده " هستند .

مانند : **مَنصور** ( یاری شده )

" روش به دست آوردن وزن یک کلمه "

می خواهیم وزن کلمه " **کاتب** " را پیدا کنیم .

1. ابتدا دو یا سه هم خانواده برای " **کاتب** " می نویسیم که عبارت است از " مکتوب ، کتیب ، مکتبیه " و می بینیم که سه حرف " **ک ، ت ، ب** " به ترتیب در این کلمات مشترک است ، پس حروف اصلی کلمه **کاتب** ← ( **ک ، ت ، ب** ) است .

2. سپس زیر این سه حرف اصلی ، حروف ( **ف \_ ع \_ ل** ) را قرار می دهیم و بقیه حروف را همانطور که هستند در کادر زیر قرار می دهیم .

مانند :

<b>ب</b>	<b>ت</b>	<b>ا</b>	<b>ک</b>
<b>ل</b>	<b>ع</b>	<b>ا</b>	<b>ف</b>

پس کلمه " **کاتب** " بر وزن " فاعِل " و به معنی " نویسنده " می باشد .



می خواهیم وزن کلمه " **مَنْظور** " را پیدا کنیم .

1. ابتدا دو یا سه هم خانواده برای " **مَنْظور** " می نویسیم که عبارت است از " **نَظير، ناظِر، مُناظِرَة** " و می بینیم که سه حرف " **ن ، ظ ، ر** " به ترتیب در این کلمات مشترک است ، پس حروف اصلی کلمه **مَنْظور** ← ( **ن ، ظ ، ر** ) است .

2. سپس زیر این سه حرف اصلی، حروف ( **ف \_ ع \_ ل** ) را قرار می دهیم و بقیه حروف را همانطور که هستند در کادر زیر قرار می دهیم .

مانند :

ر	و	ظ	ن	مَ
ل	و	ع	ف	مَ

پس کلمه " **مَنْظور** " بر وزن " **مَفْعول** " و به معنی " **دیده شده** " می باشد .



## الدَّرْسُ الثَّالِثُ

### درس سوم ( فعل امر 1)

به این نوع فعل ها در زبان فارسی دقت کنید!!!

برو \_ بنشینید \_ بشنو \_ بنویسید و ....

به این فعل ها در زبان فارسی " فعل امر " گفته می شود. که با اضافه کردن حرف " پ " به ابتدای بن فعل ، فعل حالت دستوری می گیرد.

روش ساخت فعل امر در زبان فارسی :

پ + بن فعل + شناسه = فعل امر

مانند 1: پ + نویس + ید = بنویسید

مانند 2: پ + نشین + \_ = بنشین

به فعلی گفته می شود که انجام دادن کاری را فرمان می دهد یا به عبارت دیگر دستور به انجام کاری است.

فعل امر

\* حالا بریم سراغ نکات مهم فعل امر در زبان عربی \*

1. فعل امر فقط از فعل مضارع ساخته می شود زیرا فعل مضارع بیان کننده کاری است که در حال حاضر انجام می شود.

چرا از فعل ماضی نمی توان فعل امر ساخت ؟؟

زیرا فعل ماضی مربوط به زمان گذشته است و کاری را بیان می کند که انجام آن به اتمام رسیده است پس نمی توان از آن فعل امر ساخت.

2. فعل امر از فعل مضارع " دوم شخص مفرد " دوم شخص جمع " ساخته می شود زیرا این دو صیغه \_ شخص ( دوم شخص مفرد \_ دوم شخص جمع ) حاضر " مخاطب " هستند و برای امر کردن به شخصی که حاضر است دستور انجام کاری را می دهیم نه شخصی که غایب هست.

✓ در این درس فقط با " فعل امر دوم شخص مفرد " آشنا می شوید ، با " فعل امر دوم شخص جمع " در درس بعدی آشنا خواهید شد.

فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر

فعل مضارع دوم شخص مفرد در عربی به دو دسته تقسیم می شود.

فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث

\* مراحل ساخت فعل امر دوم شخص مفرد مذکر و مونث در زبان عربی \*

1 حرف مضارعة " ن " را از ابتدای فعل مضارع حذف می کنیم .

2 آخر فعل مضارع دوم شخص مفرد را مجزوم می کنیم ، یعنی در فعل مضارع دوم شخص مذکر که ضمه (    ) دارد به ساکن (    ) تبدیل می شود و در فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث که ( ن ) " نون " دارد حذف می شود.

\* مجزوم از ریشه جَزَمَ به معنی بُریدن است در دستور زبان یعنی ما حرف یا حرکتی را از آخر فعل مضارع حذف کنیم ، مجزوم کردن فعل مضارع به این صورت هست که اگر آخر فعل ضمه (    ) باشد به ساکن (    ) تبدیل می شود و اگر آخر فعل ( ن " نون " ) باشد حذف می شود. به جز ( ن " نون " ) دوم شخص جمع مونث .

3 بعد از حذف حرف مضارعة " ن " اگر اولین حرف بعد از آن ساکن باشد یک همزه " ا " به اول فعل اضافه می کنیم چون در زبان عربی هیچ کلمه ای با ساکن شروع نمی شود و خواندن آن کلمه امکان پذیر نیست.

\* حرکت همزه " ا " بستگی به حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عینُ الفعل ) دارد هرگاه حرکت

دومین حرف اصلی فعل ( عینُ الفعل ) کسره ( ِ ) یا فتحه ( َ ) باشد همزه امر کسره ( ِ ) می گیرد

و اگر حرکت دومین حرف اصلی فعل ( عینُ الفعل ) ضمه ( ُ ) باشد همزه امر ضمه ( ُ ) می گیرد.

مانند :

~~اذهب~~ ( می روی ← فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر )



اذهب ( برو ← فعل امر دوم شخص مفرد مذکر )

1. پس مطابق مثال بالا حرف مضارعة " ا " را از ابتدای فعل مضارع حذف می کنیم .

2. آخر این فعل که ضمه ( ُ ) دارد به ساکن ( َ ) تبدیل می شود.

3. چون حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عینُ الفعل ) فتحه ( َ ) دارد پس همزه امر کسره ( ِ ) می گیرد .

~~اذهبین~~ ( می روی ← فعل مضارع دوم شخص مفرد مؤنث )



اذهبی ( برو ← فعل امر دوم شخص مفرد مؤنث )

1. پس مطابق مثال بالا حرف مضارعة " نَ " را از ابتدای فعل مضارع حذف می کنیم .

2. آخر این فعل که ( ن " نون " ) دارد حذف می شود.

3. چون حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عَيْنُ الْفِعْلِ ) فتحه ( \_ ) دارد پس همزه امر کسره ( - ) می گیرد .

" مثال هایی از فعل های امر دوم شخص مفرد مذکر و مونث "

### مفرد مذکر

فعل مضارع	فعل امر
اَكْتُبُ : می نویسی	اُكْتُبْ : بنویس
اَجْلِسْ : می نشینی	اَجْلِسْ : بنشین
اسْمَعْ : می شنوی	اسْمَعْ : بشنو

### مفرد مونث

فعل مضارع	فعل امر
اَكْتُبِينَ : می نویسی	اُكْتُبِي : بنویس
اَجْلِسِينَ : می نشینی	اَجْلِسِي : بنشین
اسْمَعِينَ : می شنوی	اسْمَعِي : بشنو





\* چون در هر دو جدول در مثال اول ( تَكْتُبُ \_ تَكْتُبِينَ ) حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عَيْنُ الْفِعْلِ ) **ضمه** ( ُ ) دارد پس همزه امر **ضمه** ( ُ ) می گیرد .

## الدَّرْسُ الرَّابِعُ

درس چهارم ( فعل امر 2 )

✓ در این درس با " **فعل امر دوم شخص جمع ومثنی** " آشنا خواهید شد .

فعل مضارع دوم شخص جمع در عربی عبارت است از:

فعل مضارع دوم شخص **مثنی مذکر**

1. فعل مضارع دوم شخص **جمع مذکر**

2. فعل مضارع دوم شخص **جمع مؤنث**

3. فعل مضارع **دوم شخص مثنی** " که به دو دسته قسمت تقسیم می شود "

فعل مضارع دوم شخص **مثنی مؤنث**

\* مراحل ساخت فعل امر دوم شخص جمع ومثنی در زبان عربی \*

1 حرف مضارعة " **نُ** " را از ابتدای فعل مضارع **حذف می کنیم** .

2 آخر فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر، مثنی مذکر ومؤنث که ( **ن** " **نون** " ) دارد حذف می شود به جز ( **ن** " **نون** " ) آخر جمع مؤنث که حذف نمی شود.

3 بعد از حذف حرف مضارعة " **نُ** " اگر اولین حرف بعد از آن ساکن باشد یک همزه " **ا** " به اول فعل اضافه می کنیم چون در زبان عربی هیچ کلمه ای با ساکن شروع نمی شود وخواندن آن کلمه امکان پذیر نیست.

\* حرکت همزه بستگی به حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عینُ الفعل ) دارد هرگاه حرکت دومین

حرف اصلی فعل ( عینُ الفعل ) کسره ( ِ ) یا فتحه ( َ ) باشد همزه امر کسره ( ِ ) می گیرد و اگر

حرکت دومین حرف اصلی فعل ( عینُ الفعل ) ضمه ( ُ ) باشد همزه امر ضمه ( ُ ) می گیرد.

مانند :

~~اذهبون~~ ( می روید ← فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر )



اذهبوا ( بروید ← فعل امر دوم شخص جمع مذکر )

1. پس مطابق مثال بالا حرف مضارعة " ذ " را از ابتدای فعل مضارع حذف می کنیم .

2. آخر این فعل که ( ن "نون" ) دارد را حذف می کنیم .

3. چون حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عینُ الفعل ) فتحه ( َ ) دارد پس همزه امر کسره ( ِ ) می گیرد .

\* نکته مهم : در فعل امر دوم شخص جمع مذکر " ا " که در آخر آن می آید جهت زیبایی فعل می آید

وقاعده خاصی ندارد. مانند: اذهبوا



~~تَذْهَبِينَ~~ (می روید ← فعل مضارع دوم شخص جمع مونث)



إِذْهَبِينَ (بروید ← فعل امر دوم شخص جمع مونث)

1. پس مطابق مثال بالا حرف مضارعة "ذُ" را از ابتدای فعل مضارع **حذف می کنیم** .

2. آخر این فعل که ( ن "نون") دارد را حذف نمی کنیم .

3. چون حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عَيْنُ الْفِعْلِ ) **فتحه** ( \_ ) دارد پس همزه امر **کسره** ( - ) می گیرد .

~~تَذْهَبَانِ~~ (می روید ← فعل مضارع دوم شخص مثنی مذکر و مونث)

إِذْهَبَا (بروید ← فعل امر دوم شخص مثنی مذکر و مونث)

1. پس مطابق مثال بالا حرف مضارعة "ذُ" را از ابتدای فعل مضارع **حذف می کنیم** .

2. آخر این فعل که ( ن "نون") دارد را حذف می کنیم .

3. چون حرکت دومین حرف اصلی ریشه فعل ( عَيْنُ الْفِعْلِ ) **فتحه** ( \_ ) دارد پس همزه امر **کسره** ( - ) می گیرد .

\* ساختار و ترجمه فعل **امردوم شخص مثنی مذکر و مونث** در عربی شبیه هم هست .



" مثال هایی از فعل های امر دوم شخص جمع مذکر\_ جمع مونث\_ مثنی مذکر و مونث "

جمع مذکر

فعل امر	فعل مضارع
اُكْتُبُوا: بنویسید	اُكْتُبُونَ: می نویسید
اَجْلِسُوا: بنشینید	اَجْلِسُونَ: می نشینید
اسْمَعُوا: بشنوید	اسْمَعُونَ: می شنوید

جمع مونث

فعل امر	فعل مضارع
اُكْتُبْنَ: بنویسید	اُكْتُبْنَ: می نویسید
اَجْلِسْنَ: بنشینید	اَجْلِسْنَ: می نشینید
اسْمَعْنَ: بشنوید	اسْمَعْنَ: می شنوید

مثنی مذکر و مونث

فعل نهی	فعل مضارع
اُكْتُبَا: بنویسید	اُكْتُبَا: می نویسید
اَجْلِسَا: بنشینید	اَجْلِسَا: می نشینید
اسْمَعَا: بشنوید	اسْمَعَا: می شنوید



درس پنجم ( فعل نهی 1 )

به این نوع فعل ها در زبان فارسی دقت کنید!!!

نرو \_ ننشین \_ دروغ نگوئید \_ ننویسید

به این فعل ها در زبان فارسی " فعل نهی " گفته می شود. که با اضافه کردن حرف " ن " به ابتدای بن فعل ، فعل حالت نهی کردن می گیرد.

روش ساخت فعل نهی در زبان فارسی :

ن + بن فعل + شناسه = فعل نهی

مانند 1: ن + نویس + ید = ننویسید

مانند 2: ن + نشین + \_ = ننشین

به فعلی گفته می شود که انجام ندادن کاری را فرمان می دهد یا به عبارت دیگر باز داشتن از انجام کاری است.

فعل نهی

\* حالا بریم سراغ نکات مهم فعل نهی در زبان عربی \*

1. فعل نهی فقط از فعل مضارع ساخته می شود زیرا فعل مضارع بیان کننده کاری است که در حال حاضر انجام می شود.

چرا از فعل ماضی نمی توان فعل نهی ساخت؟؟

زیرا فعل ماضی مربوط به زمان گذشته است و کاری را بیان می کند که انجام آن به اتمام رسیده است پس نمی توان از آن فعل نهی ساخت.

2. فعل نهی از فعل مضارع " دوم شخص مفرد " **دوم شخص جمع ومثنی** " ساخته می شود زیرا این دو صیغه \_ شخص ( دوم شخص مفرد \_ دوم شخص جمع ومثنی) حاضر " مخاطب " هستند و برای نهی کردن به شخصی که حاضر است دستور عدم انجام کاری را می دهیم نه شخصی که غایب هست.

در این درس فقط با " **فعل نهی دوم شخص مفرد** " آشنا می شوید ، با " **فعل نهی دوم شخص جمع ومثنی** " در درس بعدی آشنا خواهید شد.

فعل مضارع دوم شخص مفرد **مذکر**

فعل مضارع دوم شخص مفرد در عربی به **دو** دسته تقسیم می شود.

فعل مضارع دوم شخص مفرد **مونث**

**\* مراحل ساخت فعل نهی دوم شخص مفرد مذکر ومونث در زبان فارسی \***

1 ( لا ) را به ابتدای فعل مضارع اضافه می کنیم.

2 آخر فعل مضارع دوم شخص مفرد مجزوم می شود یعنی در فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر که ضمه دارد به ساکن ( \_ ° ) تبدیل می شود و در فعل مضارع دوم شخص مفرد مونث که ( ن " نون " ) دارد حذف می شود.

مانند :

تَذْهَبُ (می روی ← فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر)



لَا تَذْهَبُ (نرو ← فعل نهی دوم شخص مفرد مذکر)

1. پس مطابق مثال بالا ( لا ) به ابتدای فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر اضافه می شود.

2. آخر این فعل که ضمه ( ُ ) دارد به ساکن تبدیل می شود.

تَذْهَبِينَ (می روی ← فعل مضارع دوم شخص مفرد مؤنث)



لَا تَذْهَبِي (نرو ← فعل نهی دوم شخص مفرد مؤنث)

1. پس مطابق مثال بالا ( لا ) به ابتدای فعل مضارع دوم شخص مفرد مؤنث اضافه می شود.

2. آخر این فعل که ( ن "نون" ) دارد حذف می شود.



” مثال هایی از فعل های نهی دوم شخص مفرد مذکر و مونث ”

مفرد مذکر

فعل مضارع	فعل نهی
تَكْذِبُ : دروغ می گویی	لا تَكْذِبُ : دروغ نگو
تَجْلِسُ : می نشینی	لا تَجْلِسُ : ننشین
تَسْمَعُ : می شنوی	لا تَسْمَعُ : نشنو

مفرد مونث

فعل مضارع	فعل نهی
تَكْذِيبِي : دروغ می گویی	لا تَكْذِيبِي : دروغ نگو
تَجْلِسِي : می نشینی	لا تَجْلِسِي : ننشین
تَسْمَعِي : می شنوی	لا تَسْمَعِي : نشنو





درس ششم ( فعل نهی 2 )

✓ در این درس با " **فعل نهی دوم شخص جمع و مثنی** " آشنا خواهید شد .

فعل مضارع دوم شخص جمع در عربی عبارت است از:

1. فعل مضارع دوم شخص **جمع مذکر**
2. فعل مضارع دوم شخص **جمع مونث**
3. فعل مضارع **دوم شخص مثنی** " که به دو دسته قسمت تقسیم می شود "

فعل مضارع دوم شخص **مثنی مذکر**

فعل مضارع دوم شخص **مثنی مونث**

**\* مراحل ساخت فعل نهی دوم شخص جمع و مثنی در زبان فارسی \***

1 **لا** را به ابتدای فعل مضارع اضافه می کنیم.

2 آخر فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر، مثنی مذکر و مونث که ( **ن** " **نون** " ) دارد حذف می شود به جز ( **ن** " **نون** " ) آخر جمع مونث که حذف نمی شود.

**لا + فعل مضارع مجزوم = فعل نهی**

مانند :

تَذْهَبُونَ ( می روید ← فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر)



لَا تَذْهَبُوا ( نروید ← فعل نهی دوم شخص جمع مذکر)

1. پس مطابق مثال بالا ( لا ) به ابتدای فعل مضارع دوم شخص جمع مذکر اضافه می شود.

2. آخر این فعل ها که ( ن "نون" ) دارد حذف می شود.

\* نکته مهم : در فعل نهی دوم شخص جمع مذکر " ا " در آخر فعل جهت زیبایی فعل است وقاعده خاصی ندارد. مانند : لَا تَذْهَبُوا

تَذْهَبْنَ ( می روید ← فعل مضارع دوم شخص جمع مؤنث)

لَا تَذْهَبْنَ ( نروید ← فعل نهی دوم شخص جمع مؤنث)

1. پس مطابق مثال بالا ( لا ) به ابتدای فعل مضارع دوم شخص جمع مؤنث اضافه می شود.

2. آخر این فعل ها که ( ن "نون" ) دارد حذف نمی شود ، فقط ( لا ) به ابتدای آن اضافه می شود.



**تَذَهَبَانِ** (می روید) ← فعل مضارع دوم شخص مثنی مذکر ومونث)

**لا تَذَهَبَا** (نروید) ← فعل نهی دوم شخص مثنی مذکر ونونث)

1. پس مطابق مثال بالا ( لا ) به ابتدای فعل مضارع دوم شخص مثنی مذکر ومونث اضافه می شود.

2. آخر این فعل ها که ( ن " نون " ) دارد حذف می شود.

ساختار وترجمه فعل نهی دوم شخص مثنی مذکر ومونث در عربی شبیه هم هست .



” مثال هایی از فعل های نهی دوم شخص جمع (مذکر\_ مونث) و مثنی (مذکر\_ مونث) ”

جمع مونث

فعل مضارع	فعل نهی
تَكْذِبِينَ: دروغ می گوید	لا تَكْذِبِينَ: دروغ نگویند
تَجْلِسِينَ: می نشینید	لا تَجْلِسِينَ: ننشینید
تَسْمَعِينَ: می شنوید	لا تَسْمَعِينَ: نشنوید

جمع مذکر

فعل مضارع	فعل نهی
تَكْذِبُوا: دروغ می گوید	لا تَكْذِبُوا: دروغ نگویند
تَجْلِسُوا: می نشینید	لا تَجْلِسُوا: ننشینید
تَسْمَعُوا: می شنوید	لا تَسْمَعُوا: نشنوید

مثنی مذکر و مونث

فعل مضارع	فعل نهی
تَكْذِبَانِ: دروغ می گوید	لا تَكْذِبَانِ: دروغ نگویند
تَجْلِسَانِ: می نشینید	لا تَجْلِسَانِ: ننشینید
تَسْمَعَانِ: می شنوید	لا تَسْمَعَانِ: نشنوید

## فعل نهی

ترجمه	مؤنث	مذکر	عدد
نشین	لا تَجْلِسِي	لا تَجْلِسْ	مفرد
ننشینید	لا تَجْلِسَا	لا تَجْلِسَا	مثنی
	لا تَجْلِسْنَ	لا تَجْلِسُوا	جمع





## نکته طلایی 1

**شباهت** بین فعل نهی و فعل امر:

در هر دو فعل ( **امر و نهی** ) آخر فعل مضارع مجزوم می شود ( یعنی اگر آخر فعل مضارع ضمه "     " باشد به ساکن "     " تبدیل می شود و اگر آخر فعل مضارع " ن " باشد حذف می شود به جز فعل مضارع دوم شخص جمع مونث که " ن " آخر آن حذف نمی شود) .

**تفاوت** بین فعل نهی و فعل امر:

### 1. تفاوت در ساختار و ظاهر ( تغییرات ابتدای فعل )

در فعل امر ابتدا فعل مضارع که حرف ( **نْ** ) است حذف می شود و به جای این حرف حرف همزه " ا " می آید.

اما در فعل نهی ابتدا فعل مضارع که حرف ( **نْ** ) است حذف نمی شود فقط ابتدای فعل مضارع ( **لا** ) می آید.

مانند 1: فعل مضارع " **تَكْتُبُ** "

أَكْتُبُ ← فعل امر      لا تَكْتُبُ ← فعل نهی

مانند 2: فعل مضارع " **تَذْهَبُونَ** "

إِذْهَبُوا ← فعل امر      لا تَذْهَبُوا ← فعل نهی

مانند 3: فعل مضارع " **تَذْهَبِينَ** "

إِذْهَبِينَ ← فعل امر      لا تَذْهَبِينَ ← فعل نهی



## 2. تفاوت در معنا

فعل امر : دستور دادن به انجام کاری

فعل امر : دستور دادن به انجام کاری

لا تَكْتُبْ° : ننویس ← فعل نهی

اُكْتُبْ° : بنویس ← فعل امر

لا تَذْهَبُوا : نروید ← فعل نهی

اِذْهَبُوا : بروید ← فعل امر

لا تَذْهَبْنَ : نروید ← فعل نهی

اِذْهَبْنَ : بروید ← فعل امر



نکته طلایی 2

**شباهت** بین فعل نهی ونفی ( فعل مضارع منفی) :

در ابتدای هر دو فعل " فعل نهی و فعل نفی " لا می آید.

**تفاوت** بین فعل نهی ونفی ( فعل مضارع منفی) :

### 1. تفاوت در ساختار و ظاهر ( تغییرات آخر فعل)

در فعل نهی آخر فعل مضارع مجزوم می شود ( یعنی اگر آخر فعل مضارع ضمه " \_\_\_ " باشد به ساکن " ° " تبدیل می شود و اگر آخر فعل مضارع " ن " باشد حذف می شود به جز فعل مضارع دوم شخص جمع مونث که " ن " آخر آن حذف نمی شود) .

اما در فعل نفی ( فعل مضارع منفی) آخر فعل مضارع هیچ تغییری نمی کند (یعنی ضمه " \_\_\_ " و " ن " آن حذف نمی شود).

لا + فعل مضارع = فعل نفی

لا + فعل مضارع مجزوم = فعل نهی

مانند 1: فعل مضارع " تَكْتُبْ " °

لا + تَكْتُبْ° = لا تَكْتُبْ°

لا + تَكْتُبْ° = لا تَكْتُبْ°

مانند 2: فعل مضارع " تَذْهَبُونَ "

لا + تَذْهَبُونَ = لا تَذْهَبُونَ

لا + تَذْهَبُوا = لا تَذْهَبُوا

## 2. تفاوت در معنا

لا تَكْتُبْ : **نمی نویسی** ← فعل نفی (فعل مضارع منفی)

لا تَكْتُبْ ° : **ننویس** ← فعل نهی

لا تَذْهَبُونَ : **نمی روی** ← فعل نفی (فعل مضارع منفی)

لا تَذْهَبُوا : **نروید** ← فعل نهی

**\*** فعل نهی و فعل نفی **دوم شخص جمع مونث** از نظر ظاهر شبیه هم هستند و تنها راه تشخیص نوع و ترجمه آن ها از طریق قرار گرفتنشان در جمله و مفهوم جمله است.



## الدَّرْسُ السَّابِعُ

درس هفتم ( موصوف و صفت \_ مضاف و مضافٌ إليه )

به این مثال ها در زبان فارسی توجه کنید.

" اسم + صفت "	" اسم + اسم "
کتاب سودمند	کتاب دانش آموز
صنعت جدید	صنعت کاغذ
پنجره بزرگ	پنجره خانه

در زبان فارسی قرار گرفتن دو اسم کنار هم ( **اسم + اسم** ) مضاف و مضافٌ إليه را تشکیل می دهد.

مانند : کتاب دانش آموز \_ صنعت کاغذ \_ پنجره خانه

در زبان فارسی قرار گرفتن یک اسم و یک صفت کنار هم ( **اسم + صفت** ) موصوف و صفت را تشکیل می دهد.

مانند : کتاب سودمند \_ صنعت جدید \_ پنجره بزرگ

### انواع ترکیب :

1. ترکیب وصفی ← از موصوف و صفت تشکیل می شود.
2. ترکیب اضافی ← از مضاف و مضافٌ إليه تشکیل می شود.





## ترکیب وصفی

**موصوف** : اسمی است که برایش یک یا چند **صفت** (ویژگی) آورده می شود و قبل از صفت می آید.  
**صفت** : کلمه ای است که اسم قبل از خود ( **موصوف** ) را توصیف می کند یعنی بیان کننده ویژگی های موصوف است و بعد از موصوف آورده می شود.

## ترکیب اضافی

**مضاف** : اسمی است که به اسم بعد از خودش ( **مضاف الیه** ) نسبت داده می شود.  
**مضاف الیه** : اسمی است که بعد از اسم دیگر ( **مضاف** ) بیاید تا معنی آن را کامل کند .

" نکات مهم مربوط به ترکیب اضافی در زبان عربی "

1. مضاف " ال " و " تنوین " ، ، " نمی گیرد.

مانند: کتابُ الطالبِ ← کتابِ دانش آموز

2. مضاف الیه همیشه **مجرور** است یعنی اعراب ( حرکت حرف آخر آن ) کسره " = " یا تنوین " = " می گیرد.

مانند: صِنَاعَةُ الْوَرَقِ ← صِنْعَتِ كَاغِذٍ



## " نکات مهم مربوط به ترکیب وصفی در زبان عربی "

موصوف و صفت در زبان عربی در چهار مورد مطابقت دارند که عبارت است از :

1. اعراب (حرکت حرف آخر) - - - - -

مانند : الكتابُ النافعُ / الكتابُ النافعُ / الكتابُ النافعُ : کتاب سودمند

کتاب نافع / کتابا ناعما / کتاب نافع : کتابی سودمند (کتاب سودمندی)

2. جنس ( مذکر و مؤنث) ← مذکر بدون علامت و نشانه \_ مؤنث داشتن "ة" که به

"ة" در عربی "تاء تانیث" گفته می شود .

مانند 1 : الكتابُ النافعُ : کتاب سودمند

مانند 2 : النافذةُ الكبيرةُ : پنجره بزرگ

3. معرفه و نکره ← معرفه داشتن (ال) در اول اسم \_ نکره داشتن تنوین "

که در آخر اسم می آید .

مانند : الكتابُ النافعُ / الكتابُ النافعُ / الكتابُ النافعُ : کتاب سودمند

کتاب نافع / کتابا ناعما / کتاب نافع : کتابی سودمند (کتاب سودمندی)

4. عدد (مفرد\_ مثنی\_ جمع)

مانند 1: الطالبةُ الناجحةُ ← (دانش آموز "دختر" موفق) مفرد

مانند 2: الطالبتانِ الناجحتانِ ← (دو دانش آموز "دختر" موفق) مثنی

مانند 3: الطالباتُ الناجحاتُ ← (دانش آموزان "دختر" موفق) جمع



## ★ نکته طلایی 1 ★

یک اسم نمی تواند همزمان هم " ال " وهم " تنوین " بگیرد و تنها می تواند یکی از این موارد را بگیرد.

مانند: الطالب ← غلط است چون هم " ال " وهم " تنوین " گرفته است.

↓  
درست آن الطالبُ یا طالبٌ است.

## ★ نکته طلایی 2 ★

در زبان عربی ( برخلاف زبان فارسی ) اگر اسمی همزمان هم صفت داشته باشد وهم مضاف الیه اول مضاف الیه و سپس صفت آورده می شود.

مانند :

اگر در فارسی بگوییم :

در بزرگِ مدرسه ( بزرگ ← صفت / مدرسه ← مضاف الیه )

در عربی باید بگوییم :

بابُ المدرّسةِ الكبيرة ( المدرّسة ← مضاف الیه / الكبيرة ← صفت )

## ★ نکته طلایی 3 ★

زمانی که بخواهیم برای اسم غیر عاقل ( غیر اشخاص ) صفت بیاوریم باید صفت به صورت " مفرد مونث " بیاید . مانند :

النّصُوصُ البَسیطةُ : ( متن های ساده ) .

الأسماکُ الجمیلةُ : ( ماهی های زیبا ) .

## الدَّرْسُ الثَّامِنُ

درس هشتم ( فعل ماضی استمراری )

نشان دهنده کاری است که در زمان گذشته انجام و تمام شده است .

رفتند ← ذَهَبُوا

مانند: نوشت ← كَتَبَ

ماضی ساده

نشان دهنده کاری است که در زمان گذشته چند بار تکرار شده است .

می رفتند ← كَانْ يَذْهَبُونَ

مانند: می نوشت ← كَانْ يَكْتُبُ

ماضی استمراری

\* روش ساخت فعل ماضی استمراری در زبان فارسی \*

می + فعل ماضی ساده = فعل ماضی استمراری

مانند:

می + نشست = می نشست

می + ساختند = می ساختند



**\* روش ساخت فعل ماضی استمراری در زبان عربی \***

فعل ماضی کانَ + فعل مضارع = فعل ماضی استمراری

مانند:

كانتَ + تجلسُ (می نشیند) = كانتَ تجلسُ (می نشست)

كانا + يصنعانِ (می سازند) = كانا يصنعانِ (می ساختند)

**★ نکته طلایی 1 ★**

توجه داشته باشید که " فعل کانَ " با " فعل مضارع " که بعد از آن آورده می شود باید از نظر جنس ( مذکر\_ مونث ) و تعداد ( مفرد\_ مثنی\_ جمع ) تناسب داشته باشد .

مانند 1: كانتَ تسمعُ ← می شنید.

مانند 2: كانوا يسمعونَ ← می شنیدند .

مانند 3: كانا يسمعانِ ← می شنیدند .

در مثال اول فعل مضارع " تسمعُ " ← سوم شخص مفرد مونث هست و به همین دلیل فعل کانَ به صورت مفرد مونث آورده می شود.

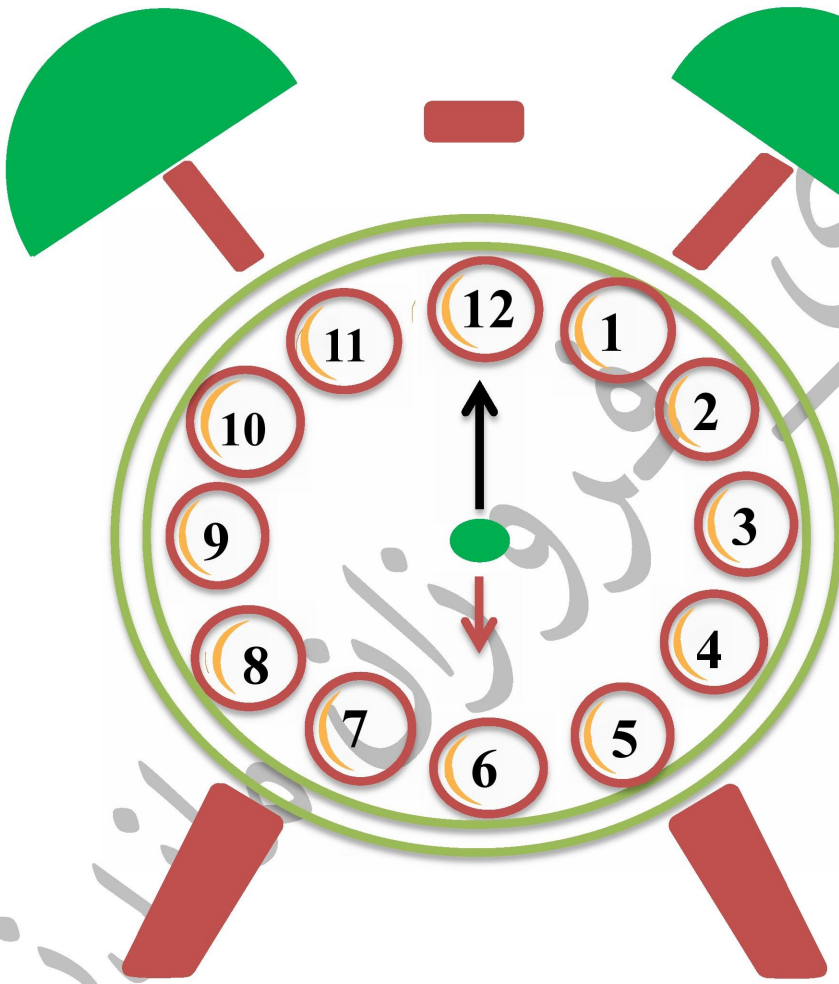
در مثال دوم فعل مضارع " يسمعونَ " ← سوم شخص جمع مذکر هست و به همین دلیل فعل کانَ به صورت جمع مذکر آورده می شود.

در مثال سوم فعل مضارع " يسمعانِ " ← سوم شخص مثنی مذکر هست و به همین دلیل فعل کانَ به صورت مثنی مذکر آورده می شود.



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

درس نهم (ساعت خوانی)



كم السّاعَة الآن؟



ابتدا باید با اعداد اصلی (شمارشی) و اعداد ترتیبی آشنا شوید.

اعداد در عربی به **دودسته** تقسیم می شوند که عبارت اند از:

1. اعداد اصلی (شمارشی) : اعدادی هستند که با آنها "شمارش" صورت می گیرد و تعداد را نشان می دهند .

مانند : تعداد کلید های موجود در یک تصویر ، تعداد درهای یک مدرسه و .....



چند پسر در تصویر است ؟

یک .

مانند 1: كم و لدا في الصورة ؟

واحد .

اعداد اصلی (شمارشی) عبارت اند از :

مؤنث	مذكر
واحدة	"1" واحد
إثنان	"2" اثنان
ثلاثة	"3" ثلاث
أربعة	"4" أربع
خمسة	"5" خمس
سنة	"6" ست
سبعة	"7" سبع
ثمانية	"8" ثمانی
تسعة	"9" تسع
عشرة	"10" عشر
أحدى عشرة	"11" أحد عشر
إثنا عشرة	"12" اثنا عشر

2. اعداد ترتیبی: اعدادی هستند که " ترتیب " در آنها اهمیت دارد.

مانند: ترتیب درس های یک کتاب ( درس اول ، درس دوم و....) ، رتبه ( اول، دوم و...) و.....

مانند 1: الدرسُ الأوَّلُ ، الدرسُ الثَّانی و....

مانند 2: المَقَامُ الأوَّلُ ، المَقَامُ الثَّانی و....

اعداد ترتیبی عبارت اند از :

مذکر	مونث
"1" الأوَّلُ	الأوَّلَى
"2" الثَّانی	الثَّانِیَّة
"3" الثَّالِث	الثَّالِثَة
"4" الرَّابِع	الرَّابِعَة
"5" الخَامِس	الخَامِسَة
"6" السَّادِس	السَّادِسَة
"7" السَّابِع	السَّابِعَة
"8" الثَّامِن	الثَّامِنَة
"9" التَّاسِع	التَّاسِعَة
"10" العَاشِر	العَاشِرَة
"11" الحَادِی عَشَرَ	الحَادِیَّة عَشَرَ
"12" الثَّانِی عَشَرَ	الثَّانِیَّة عَشَرَ

" ساعت خوانی کامل "

در پایه هشتم با نحوه " ساعت خوانی کامل " ساعت یک تمام ، ساعت دو تمام و ..... " همراه با نکات مهم آن آشنا شدید.

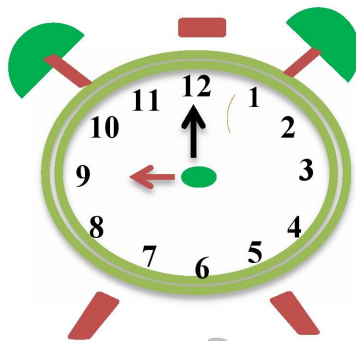




✿ ویداد گرفتید که در زبان عربی برای بیان ساعت (خواندن ساعت) از اعداد ترتیبی مونث استفاده می

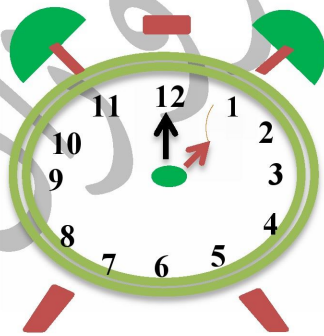
شود جز برای بیان ساعت " 1 " که از عدد اصلی مونث ( الواحدة ) استفاده می شود .

✿ ساعت کامل ✿ ← 1:00 \_ 9:00 ✿



مانند 1. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)

الساعة التاسعة تماماً. (ساعت نه تمام است)



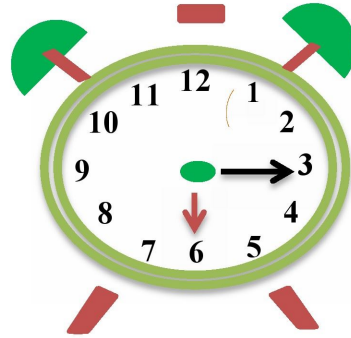
مانند 2. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)

الساعة الواحدة تماماً. (ساعت یک تمام است)

در این درس می خواهیم با اصطلاحات " ساعت کامل به اضافه ربع " ، " ساعت کامل به اضافه نیم " و " یک ربع مانده به ساعت کامل " در زبان عربی آشنا شویم.

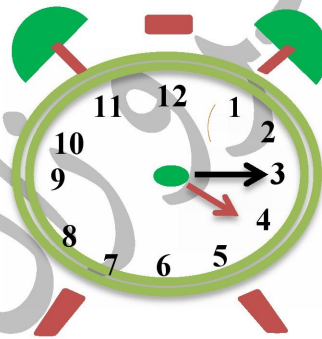


\* ساعت کامل به اضافه ربع ← 4:15 \_ 6:15 \*



مانند 1. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)

الساعة السادسة والرُّبعُ. (ساعت شش و ربع است)

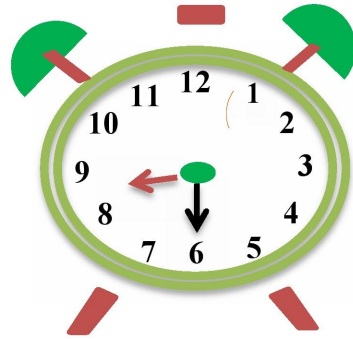


مانند 2. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)

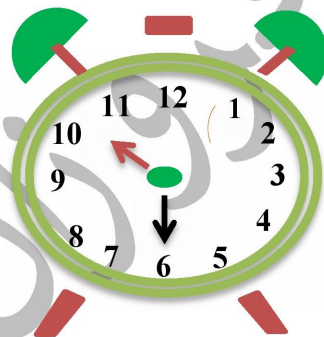
الساعة الرابعة والرُّبعُ. (ساعت چهار و ربع است)



\* ساعت کامل به اضافه نیم ← 10:30 \_ 8:30 \*



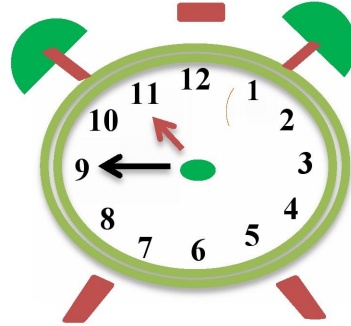
مانند 1. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)  
الساعة الثامنة والنصف. (ساعت هشت و نیم است)



مانند 2. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)  
الساعة العاشرة والنصف. (ساعت ده و نیم است)



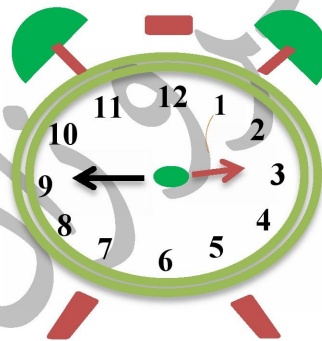
\* یک ربع مانده به ساعت کامل ← \* 10:45 \_ 2:45 \*



مانند 1. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)

الساعة الحادية العشرة إلربعا.

(ساعت یک ربع مانده به یازده است.)



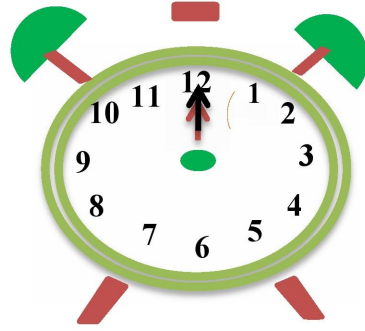
مانند 2. كم الساعة الآن؟ (الآن ساعت چند هست؟)

الساعة الثالثة إلربعا.

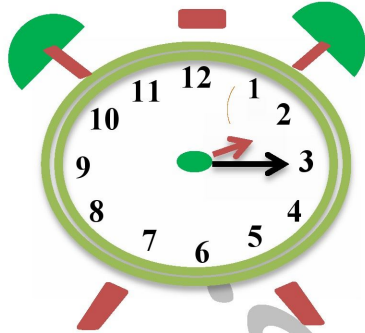
(ساعت یک ربع مانده به سه است)



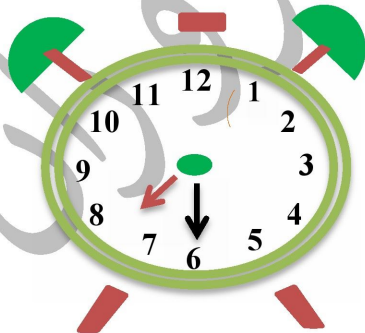
كم السّاعة الآن؟؟



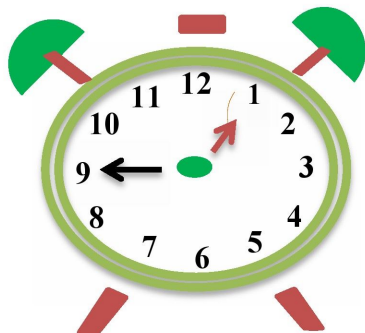
السّاعةُ الثّانيةُ العشرةُ تماماً.



السّاعةُ الثّانيةُ والرّبعةُ.



السّاعةُ السّابعةُ والنّصفُ.



السّاعةُ الواحدةُ إلزابعا.



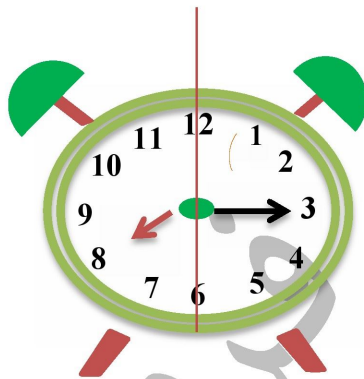
## ★ نکته طلایی 1 ★

برای بیان ساعت می توانیم از دایره ی " و " \_\_\_\_\_ " اِلا " به صوت زیر استفاده کنیم .

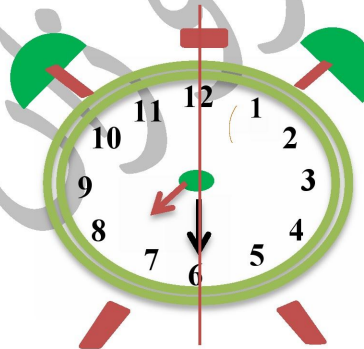
1. ابتدا ساعت را به دو نیمه تقسیم می کنیم.

2. مطابق ساعت زیرنیمه ی اول ساعت نیمه ی مربوط به " و " و نیمه ی دوم ساعت نیمه ی مربوط به " اِلا " می باشد.

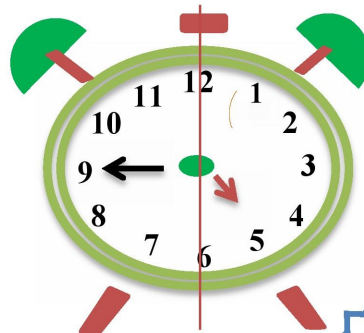
3. پس زمانی که عقربه ی دقیقه شمار در نیمه ی اول بر روی عدد " 3 " و " 6 " باشد از " و " که نشان دهنده " ساعت کامل به اضافه ربع " و " ساعت کامل به اضافه نیم " است و زمانی که عقربه ی دقیقه شمار در نیمه ی دوم بر روی عدد " 9 " باشد که نشان دهنده " یک ربع مانده به ساعت کامل " از " اِلا " استفاده می شود.



السَّاعَةُ الثَّامِنَةُ وَالرُّبْعُ .




السَّاعَةُ السَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ .



السَّاعَةُ الْخَامِسَةُ الْاَرْبَعَاءُ .





فردا یک راز است نگرانش نباش ، دیروز یک خاطره بود  
حسرتش را نخور ، اما امروز یک فرصت هست قدرش را بدان  
نمی توان برگشت و آغاز خوبی داشت ولی می توان شروع کرد و  
پایان خوبی داشت .

" مهران بهزادی \_ فروزان ماندنی "